

## ولایت تکوینی (تصرفات تکوینی) امامان از منظر اندیشمندان مدرسه کلامی قم، با تکیه بر آراء برقی، کلینی و صدوق<sup>۱</sup>

[محمد مهدی مطهری<sup>۲</sup>]

### چکیده

مسئله ولایت تکوینی امامان علیهم السلام همواره در میان صاحب نظران و اندیشمندان امامیه مورد مناقشه بوده است. بررسی چنین مسئله‌ای علاوه بر این که در شناخت مقام امام، حائز اهمیت است، در ترسیم و شناسایی خط فکری صحیح امامیه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. مدرسه قم با تنوع روش و خطوط فکری، در حالی که در مبارزه با غلو شهرت دارد، این حوزه از مباحث امامتی را به صورت گسترده مطرح کرده است. این مقاله به بازشناسی باور سه تن از شخصیت‌های برجسته مدرسه قم، یعنی احمد برقی و شیخ کلینی و شیخ صدوق در موضوع ولایت تکوینی می‌پردازد و با کشف منظومه فکری مشایخ قم در مسئله تصرفات تکوینی امامان، به این نتیجه می‌رسد که نه تنها اصل تصرفات تکوینی امامان مورد پذیرش مشایخ مدرسه قم بوده بلکه به صورت گسترده و با تنوع موضوعات به نقل روایات این مسئله پرداخته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** ولایت تکوینی، تصرفات تکوینی، مدرسه کلامی قم، محمد بن یعقوب کلینی، احمد بن محمد بن خالد برقی، شیخ ابوجعفر محمد بن بابویه صدوق.

۱. تاریخ دریافت: ۹۶/۰۶/۰۳، تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۸/۲۸

۲. دانش آموخته درس خارج حوزه علمیه قم، پژوهشگر بنیاد جعفری،

## درآمد

اندیشه کلامی امامیه، مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته و جریان‌های گوناگونی به خود دیده است. این گرایش‌ها در دوره‌های مختلف و با رویکردهای متفاوت، خوانش‌های جدیدی از مضامین اعتقادی ارائه کرده و آثار گوناگونی پدید آورده‌اند. البته در هر دوره تاریخی، پاره‌ای از اندیشمندان در قالب جریان‌های کلامی و با تعاملی هدفمند زمینه‌های پیدایش مدرسه‌ای فکری را فراهم آورده‌اند. در تاریخ کلام امامیه چند مدرسه را می‌توان شناسایی کرد. یکی از این مدارس، مدرسه کلامی قم است. گرچه در نگاه رایج، مدرسه قم کمتر به کلام شناخته شده و وجهه غالبش، نص‌گرایی است، اما به نظر می‌رسد در قم شاهد یک جریان مستمر کلامی هستیم. از آن‌جا که گرایش فکری غالب در قم حدیث‌گرایی با معیارهایی دقیق و سخت‌گیرانه در پذیرش احادیث بود، نظریه‌پردازی‌های کلامی متکی بر داده‌های عقلی و تبیین‌های خارج از متن روایات در قم جایگاهی نداشت. در حقیقت، اصلی‌ترین جریان کلامی قم، جریان محدث - متکلمان یا خط حدیثی - کلامی است که با اعتقاد به این‌که میراث رسیده از اهل بیت با همان چارچوب و ادبیات، پاسخگوی نیازهای جامعه اسلامی است از ورود به عرصه نظریه‌پردازی و تبیین‌های خارج از چارچوب نص، پرهیزی کرد. از آن‌جا که اختلاف در پاره‌ای از باورها یا شیوه‌ها منشأ پیدایش خطوط فکری متمایزی در یک جریان می‌شود، محدث - متکلمان قم نیز، به خطوط متمایزی قابل تفکیک هستند.

### خط فکری احمد بن محمد بن عیسی

در میان افرادی که در انتقال میراث کوفه به قم نقش داشتند، بیشترین حجم را احمد بن محمد بن عیسی انتقال داده است. ابن ولید و ابن بابویه را می‌توان در خط فکری احمد بن محمد بن عیسی دانست. آراء و اندیشه‌های ابن ولید را در شاگردش شیخ صدوق می‌توان ردیابی کرد. صدوق در بیشتر اندیشه‌هایش تابع

استادش ابن ولید بود؛ این مطلب را گذشته از برخی اشارات شیخ صدوق، حجم گسترده روایات ابن ولید در آثار صدوق نیز تأیید می‌کند.

### خط فکری ابراهیم بن هاشم

در کنار خط فکری احمد اشعری، خطوط فکری دیگری را نیز می‌توان شناسایی کرد که در پاره‌ای جهات با خط فکری احمد بن محمد بن عیسی اختلاف دیدگاه داشتند. یکی از این خطوط فکری که در قم فعال بود و اختلافاتی با خط احمد اشعری داشت، با ابراهیم بن هاشم به قم راه یافته بود. پس از ابراهیم بن هاشم و پسرش علی بن ابراهیم، ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی را می‌توان میراث‌دار این خط فکری دانست.

### خط فکری برقی

ویژگی مشترک محمد بن خالد برقی و پسرش احمد بن محمد بن خالد، نقل از ضعف‌ها و مجاهیل و اعتماد بر اخبار مرسل بود. شاید ارتباط حدیثی با پاره‌ای از راویان متهم به غلو نیز در همین راستا باشد.<sup>۱</sup>

در این پژوهش به دنبال بازخوانی تفکرات مشایخ مدرسه قم هستیم و از آنجاکه مدرسه قم، مدرسه‌ای معتدل و به دور از افراط و تفریط و در مبارزه با غالیان بسیار جدی بود، اطلاع از باورهای آنها در اهداف پیش رو کاملاً ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین در این نوشتار برآنیم تا با بررسی و جستجو در میان آثار و تراش برجای مانده از سه شخصیت مهم از خطوط فکری مذکور در مدرسه قم، یعنی احمد بن محمد بن خالد برقی و محمد بن یعقوب کلینی و محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) و مقایسه آنها با یکدیگر، دیدگاه این مدرسه کلامی را نسبت به موضوع ولایت تکوینی امامان به دست آوریم.

۱. طالقانی، سید حسن، «مدرسه کلامی قم»، مجله نقد و نظر، ۶۶/۱.

از آن جاکه این مسئله نه تنها از ارکان موضوع امام شناسی، بلکه یکی از محورهای اتهام به غلو و یا تقصیر در طول تاریخ تشیع بوده است، تحولات اندیشه امامیه در این موضوع حائز اهمیت است. با توجه به این که مدرسه قم به عنوان نماد اعتدال گرایی همراه با اتقان و استناد قوی باورها به اهل بیت شناخته می شود، شناخت باور این مدرسه در موضوع ولایت تکوینی، جایگاهی ممتاز می یابد و در شناسایی مرز غلو از آموزه های اصیل و باورهای راستین امامیه، اهمیت بسزایی دارد. نظر به این که اطمینان به صدور حدیث در نقل و کتابت آن، از جایگاهی بی بدیل برخوردار بوده و محدثان بزرگ شیعه در سده های نخست، از نقل روایاتی که اطمینان به صدور آنها نداشتند، خودداری می کردند<sup>۱</sup> و هدف اصلی در این مقاله شناخت اندیشه مشایخ قم است، صرف روایتگری راوی را نشانه پذیرش روایت دانسته و معتقدیم می توان مضمون روایت را به عنوان منظومه فکری راوی به او نسبت داد.

چون آثار احمد برقی - جز قسمت کوچکی از کتاب محاسن - باقی نمانده و در دسترس نیست سعی کردیم که با بررسی اسناد شاگردان و کسانی که از او روایت کرده اند منظومه فکری او را در این حوزه نمایان کنیم. در مورد کلینی نیز کتاب کافی ایشان و بعضی از اسناد صدوق که کلینی در سند آنهاست مورد بررسی قرار گرفتند. در مورد شیخ صدوق نیز جمیع آثار ایشان که در حوزه امامت تألیف شده اند مورد بررسی قرار گرفته است.

### قدرت بر تصرفات تکوینی

مرحوم کلینی در کافی روایاتی را نقل کرده است که نشان می دهد ایشان در صدد اثبات اصل قدرت بر تصرفات تکوینی برای ائمه علیهم السلام بوده اند. ایشان در بابی مستقل روایاتی را آورده اند که ائمه را واجد اسماء اعظم الهی می دانند که به وسیله آنها،

۱. حسینی، سید علیرضا و حمادی، عبدالرضا، «جایگاه نقد محتوایی در اعتبار سنجی احادیث شیعه»، مجله پژوهش های قرآن و حدیث، ۲۷/۱.



تصرفاتی در نظام تکوینی عالم انجام می دهند.<sup>۱</sup> کلینی براساس روایت دیگری، ائمه علیهم السلام را حامل جمیع علم الکتاب می داند که به وسیله آن می توان نظام تکوینی عالم را در دست گرفت و هر نوع تغییری در آن ایجاد کرد.<sup>۲</sup> وی در «بَابُ مَا عِنْدَ الْأَئِمَّةِ مِنَ آيَاتِ الْأَنْبِيَاءِ» که در رابطه با همین موضوع است، جمیع آیات و معجزات انبیاء گذشته را برای ائمه ثابت می داند و پنج روایت را به آن اختصاص می دهد.<sup>۳</sup> در روایتی دیگر، ائمه علیهم السلام خود را وارث قرآن معرفی کرده اند؛ قرآنی که به وسیله آن، کوه ها را به گردش آورند و زمین را به طی الارض درنوردند و مرده ها را زنده کرده و به سخن آورند؛ در ادامه روایت حضرت امام کاظم علیه السلام به صراحت می فرماید:

و به راستی در کتاب خدا آیاتی هست که هر چه به وسیله آن خواسته شود به اذن خدا مجری گردد و همه آن آیات برای اهل بیت علیهم السلام در امم الکتاب مقرر شده است.<sup>۴</sup>

شیخ صدوق و احمد برقی در آثار خویش، این قسم روایات را منعکس نکرده اند.

## قدرت بر رجعت به دنیا

یکی دیگر از اقسام تصرفات تکوینی، قدرت بر رجعت و بازگشت به این دنیا است. با توجه به این که زنده شدن بعد از مرگ، نوعی دخل و تصرف تکوینی است، کسی که قادر بر رجعت های متعدد باشد دارای قدرت تکوینی خارج از حد توان بشر است.<sup>۵</sup> در روایتی که در کافی آمده، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که او خود

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲۳۰/۱، باب ما اعطی الائمة علیهم السلام من اسم الله الاعظم.

۲. همان، ۲۲۹/۱، ح ۵.

۳. همان، ۲۳۱/۱، باب ما عند الائمة من آیات الانبیاء علیهم السلام.

۴. همان، ۲۲۶/۱، ح ۷.

۵. البته زنده شدن پس از مرگ از اختیار انسان خارج است و بازگشت به این دنیا به قدرت و اختیار خداوند متعال می باشد، ولی از آن جا که امام برخلاف حالت متعارف، رجعت های متعدد دارد و از عبارات روایت استفاده می شود که اذن این رجعت ها به

را صاحب رجعت‌های متعدد به این دنیا معرفی کرده است.<sup>۱</sup> شیخ صدوق نیز در کتاب من لا یحضره الفقیه این قدرت را برای ائمه علیهم‌السلام ثابت می‌داند.<sup>۲</sup>

### حالات امامان در رحم مادر و در هنگام ولادت

هر سه شخصیت مهم مدرسه قم این قسم از تصرفات تکوینی ائمه علیهم‌السلام را روایت کرده‌اند. البته مرحوم کلینی بابی را با عنوان «باب موالید الائمه» به این موضوع اختصاص داده و با ذکر هشت روایت در این باب<sup>۳</sup> بیشتر از دیگران به این موضوع پرداخته است. احمد برقی و شیخ صدوق به یک روایت در این باب بسنده کرده‌اند. مرحوم کلینی روایت می‌کند که امام موسی بن جعفر علیه‌السلام هنگام ولادت دو دست به زمین نهاد و سربه آسمان برداشت. امام صادق علیه‌السلام این کار خارق‌العاده را نشانه رسول و یا وصی رسول بودن شخص قلمداد کرد. سپس امام صادق علیه‌السلام دست بر زمین گذاشتن امام هنگام تولد را نشانه قبضه کردن جمیع علوم نازله بر روی زمین معرفی کرده و سربه آسمان بلند کردن را گفتگوی او با پروردگار دانسته است.<sup>۴</sup> احمد بن محمد بن خالد برقی همین روایت را بدون اختلاف گزارش کرده است.<sup>۵</sup> در دو روایت دیگری که کلینی از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده آمده است که امام در شکم مادرش صداها را می‌شنود و خلقت امام نیز متفاوت با دیگران است؛ زیرا هنگام انعقاد نطفه، خداوند متعال فرشته‌ای می‌فرستد تا نوشتابه از زیر عرش

ایشان داده شده است، می‌توان رجعت مکرر به این دنیا را حاکی از قدرت فوق بشری امام دانست.

۱. همان، ۱/۱۹۷، ح ۳.

۲. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۲/۶۱۴.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/۳۸۵، باب مَوَالِدِ الْأَئِمَّةِ علیهم‌السلام.

۴. همان، ح ۱.

۵. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۲/۳۱۴، ح ۳۲.

برگیرد و آن را به امام دهد تا بنوشد.<sup>۱</sup> کلینی در روایتی دیگر حالت تولد امام را چنین گزارش می‌کند:

چون او را بزاید نشستہ باشد و برایش گشایشی شود که چهار زانو بیرون آید و بچرخد روی زمین تا برابر قبله گردد هرسو که باشد و تا یک شب و روز از دو دستش سیل طلا روان است.<sup>۲</sup>

کلینی در کافی نقل می‌کند که از نشانه‌های امام این است که هنگام تولد به کف دست بر زمین آید و آواز خود را در وقتی که نوزاد است به ادای شهادتین بلند کند.<sup>۳</sup> صدوق در این رابطه نه تنها باب جداگانه‌ای اختصاص نداده بلکه روایتی را نقل می‌کند که در آن، به سخن گفتن امام در هنگام تولد اشاره‌ای نشده است.<sup>۴</sup>

## تبدیل شدن عصا به اژدها و شکافتن دریا و جوشیدن چشمه از سنگ با قدرت امام

از اموری که در آیات قرآن به صراحت از آن یاد شده است، معجزاتی چون تبدیل شدن عصای حضرت موسی علیه السلام به اژدها<sup>۵</sup> و شکافته شدن دریا<sup>۶</sup> به وسیله عصا و جاری شدن چشمه از سنگ با ضربه عصای حضرت موسی<sup>۷</sup> است. طبق روایتی که هم کلینی در کافی<sup>۸</sup> و هم صدوق در کمال الدین و تمام النعمة<sup>۹</sup> نقل کرده‌اند

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۳۸۷/۱، ح ۲-۳.

۲. همان، ح ۵.

۳. همان، ۳۸۸/۱، ح ۸.

۴. صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲۰/۱، ح ۲.

۵. اعراف: ۱۰۷.

۶. شعرا: ۶۳.

۷. بقره: ۶۰.

۸. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲۳۱/۱، ح ۱.

۹. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ۶۷۳/۲، ح ۲۸.

عصای موسی نزد ائمه علیهم السلام است و هنگامی که از او بازپرسی شود، جواب گوید. در ادامه این روایت، آمده است که امام باقر علیه السلام فرمودند:

آن عصا برای قائم ما عجل الله تعالی فرجه الیه آماده گشته است؛ او با آن همان کاری که موسی می کرد را انجام می دهد.

کلینی و صدوق روایتی را از امام باقر علیه السلام نقل کرده اند که فرمود:

چون حضرت مهدی علیه السلام در مکه قیام کند و هنگامی که بخواهد متوجه کوفه شود منادیش فریاد کشد که کسی خوردنی و آشامیدنی همراه خود بزندارد و سنگ حضرت موسی که به وزن یک بارشتر است با آن حضرت است. در هر منزلی که فرود آیند، چشمه آبی از آن سنگ بجوشد که گرسنه را سیر و تشنه را سیراب کند و همان سنگ توشه آنهاست تا هنگامی که در نجف به پشت کوفه فرود آیند.<sup>۱</sup>

### قدرت بر تکلم به هر زبانی و دانستن کلام پرندگان و تمامی موجودات

امامان علیهم السلام به جمیع لغات و زبان ها و لهجه ها و گویش های متنوع بشری آشنا و آگاه بوده و می توانستند فصیح تر از اهل آن لغات، سخن بگویند.<sup>۲</sup> در روایتی که کلینی در کافی آورده است به این مطلب اشاره شده که هر کس این صفات را نداشته باشد، امام نیست.<sup>۳</sup> در روایت دیگری، ائمه علیهم السلام خود را وارثان قرآن می دانند؛ قرآنی که خداوند در آن منطق طیور و وحوش و جانداران را برای ائمه علیهم السلام مقرر فرموده است.<sup>۴</sup> کلینی در کتاب کافی روایاتی را نقل کرده است که بیان می کنند امامان

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/۲۳۱، ح ۳؛ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ۲/۶۷۰، ح ۱۷.

۲. در توضیح این مطلب باید گفت که این قبیل امورا از موارد خرق عادت محسوب می شود و مصادیق خرق عادت را می توان نشانه ولایت و تصرف فرد دانست.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/۲۸۵، ح ۷.

۴. همان، ۱/۲۲۶، ح ۷.

علاوه بر این که به جمیع لغات و گویش های بشری آشنا هستند و قدرت بر تکلم به همه آنها را دارند، به جمیع زبان های طیور و وحوش نیز آگاهی دارند.<sup>۱</sup> در روایتی دیگر از امام حسن علیه السلام نقل شده است که ایشان خود را آگاه به هفتاد میلیون لغت معرفی کردند.<sup>۲</sup> در روایتی دیگر که باز هم کلینی آن را نقل می کند حکایت جالبی آمده است که نشان دهنده تکلم امام باقر علیه السلام به زبان پرندگان است.<sup>۳</sup> در روایت دیگری می خوانیم که امام حسن عسکری علیه السلام به لغات ترکی و رومی و صقالبی با غلامان ترک و رومی و صقالبی خود صحبت کردند.<sup>۴</sup> احمد بن محمد بن خالد برقی نیز با نقل دو روایت در این باب به این جنبه از صفات امام می پردازد؛ یک روایت او به آشنا بودن امام به لغات و زبان های بشری دلالت می کند<sup>۵</sup> و روایت دیگر، به علم امام به منطق حیوانات اشاره دارد و تصریح می کند که امام آواز یک قمری را برای راوی ترجمه کرد.<sup>۶</sup> اما شیخ صدوق فقط به جنبه آشنا بودن امام به زبان های مختلف بشری اشاره می کند<sup>۷</sup> و هیچ روایتی در مورد آگاه بودن امامان به زبان طیور و پرندگان و دیگر حیوانات نقل نکرده است.

### طی الارض و درهم پیچیده شدن زمین

طی الارض، که در اصطلاح روایات پیمودن مسافت طولانی در کمتر از مدت زمان معمولی لازم برای طی کردن آن است، از دیگر تصرفات تکوینی ائمه علیهم السلام است که گاه برای خودشان و گاه برای یاران شان انجام داده اند. در روایتی از امام رضا علیه السلام

۱. همان، ۲۸۵/۱، ح ۷.

۲. همان، ۴۶۲/۱، ح ۵.

۳. همان، ۴۷۰/۱، ح ۴.

۴. همان، ۵۰۹/۱، ح ۱۱.

۵. صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲/۲۲۸، ح ۲.

۶. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۱/۳۴۴، ح ۱۳.

۷. صدوق، محمد بن علی، همان، ۲/۲۲۷، باب معرفته علیه السلام بجمیع اللغات.

آمده است که خود ایشان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را غسل داده‌اند در حالی که حضرت در زندان بغداد بود و امام رضا علیه السلام در مدینه حضور داشت.<sup>۱</sup> در روایت دیگری که کلینی آن را نقل می‌کند اسحاق جلاب روز عرفه در سامره بود و روز عید با طی الارض به بغداد آمد.<sup>۲</sup> در روایت دیگری که آن را نیز کلینی نقل کرده، آمده است که امام جواد علیه السلام یک مرد شامی را در یک شب از شام به کوفه و سپس به مدینه و مکه برد و دوباره به شام برگردانید و همین امر سبب شد که مردم به او نسبت پیغمبری بدهند.<sup>۳</sup> شیخ صدوق نیز در این باره - یعنی طی الارض - حدیثی نسبتاً طولانی نقل کرده است و در آن، داستان طی الارض حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را نقل کرده که سه روز پیش از شهادتش در یک شب از زندان هارون به مدینه رفت و عهد امامت را به پسرش امام رضا علیه السلام واگذار کرد و برگشت.<sup>۴</sup> جناب احمد بن ابی عبدالله البرقی نیز در ضمن روایتی نقل می‌کند که یازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم از محل سکونت خود غایب شده و در یک شب در مکه حاضر می‌شوند.<sup>۵</sup>

### قرار و بقای زمین به امر امام

از دیگر نشانه‌های تصرفات تکوینی امام، ثابت و برقرار ماندن زمین و اهل آن به واسطه وجود و حضور امام بر روی زمین است.<sup>۶</sup> روایات دال بر این مطلب را مرحوم

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۳۸۴/۱، باب ان الامام لا یغسله الا الامام من الائمة، ح. ۱.

۲. همان، ۴۹۸/۱، ح. ۳.

۳. همان، ۴۹۲/۱، ح. ۱.

۴. صدوق، محمد بن علی، همان، ۱۰۰/۱، ح. ۶.

۵. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ۶۷۲/۲.

۶. در تبیین نقش امام در بقای زمین و اهل آن گفته شده است که چون امام علت غایی برای نظام وجودی عالم است و وجود معلول بدون علت غایی آن محال است، بقای زمین بسته به وجود امام است. برای مطالعه بیشتر در رابطه با این موضوع رک: ربانی گلیپاگانی، علی، «نقش غایی امام در نظام آفرینش»، مجله انتظار موعود، ۹/۳۱.

کلینی و صدوق نقل کرده‌اند. کلینی در این باب سیزده روایت را ذکر کرده است که وجه مشترک بین همه آنها این است که اگر امام روی زمین نباشد زمین اهلش را فرو برده و از بین می‌رود.<sup>۱</sup> شیخ صدوق همانند کلینی باب مستقلی به این موضوع اختصاص داده و ۲۳ روایت ذیل این باب نقل کرده است؛ از این تعداد، ۱۵ روایت مضمون مشترکی دارند و آن این است که بقاء و استقرار زمین و اهل آن، به حضور امام بر روی آن بستگی دارد.<sup>۲</sup> وی هم چنین در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام روایتی نقل کرده به این مضمون که به دعای امام رضا علیه السلام زمین به لرزه افتاد و همه شهر لرزید.<sup>۳</sup> جناب احمد بن محمد بن خالد برقی در این زمینه روایتی نقل نکرده‌اند.

### قدرت بر پنهان کردن خود از دیگران

امام این قدرت را دارد که خودش را از نظر و مشاهده دیگران پنهان کند و بدون این که مردم ملتفت حضور وی شوند در جایی حضور پیدا کند و این نیز در زمره تصرفات تکوینی امامان علیهم السلام قرار می‌گیرد. این قسم از معجزات را فقط کلینی و صدوق روایت کرده‌اند. کلینی در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که امام (هر سال) در حج شرکت می‌کند ولی مردم او را نمی‌بینند در حالی که او مردم را می‌بیند.<sup>۴</sup> در روایت دیگری آمده است که از خصایص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه این است که در دوران غیبت، در اجتماعاتی مثل حج شرکت می‌کند بدون این که کسی متوجه حضور او شود در حالی که او مردم را می‌بیند.<sup>۵</sup> صدوق نیز در ضمن حدیثی

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/۱۷۹، بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُومُنْ حُجَّةً، ح ۱۰۴ و ۱۰۳؛ همان، ۱/۵۳۴، ح ۱۷.

۲. صدوق، محمد بن علی، همان، ۱/۲۰۱، باب العلة التي من أجلها يحتاج إلى الإمام، ح ۱۴ و ۹-۱۵ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱.

۳. همو، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲/۱۷۲، ح ۱.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/۳۳۷، ح ۶.

۵. همان، ۱/۳۳۹، ح ۱۲.

طولانی نقل می‌کند که غسل و کفن و حنوط حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام به دست امام رضا علیه السلام انجام شد؛ درحالی‌که سندی بن شاهک گمان می‌کرد که او حضرت را غسل می‌دهد و حنوط و کفن می‌کند و هیچ یک از افراد حاضر در موقع غسل، امام رضا علیه السلام را نمی‌شناختند.<sup>۱</sup>

### قدرت بر تکلم بعد از موت

مرحوم کلینی سه روایت در کافی نقل می‌کند که مضمون آنها، قدرت داشتن اهل بیت بر تکلم بعد از فرارسیدن موت می‌باشد. در دو روایت، محتوای وصیت رسول الله صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام چنین است که بعد از مرگ من هر سؤالی داشتی بپرس که من به تو پاسخ خواهم داد.<sup>۲</sup> در روایت دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله ایشان را در بیداری به ابوبکر نشان داد و رسول اکرم با او تکلم کرد و او را از غضب خلافت بر حذر داشت و به او دستور داد از علی علیه السلام متابعت کند.<sup>۳</sup> این روایات و یا روایاتی با مضامین مشابه را شیخ صدوق و احمد برقی نقل نکرده‌اند.

### قدرت بر تکلم در مهد

کلینی در روایتی نقل می‌کند که امام موسی بن جعفر علیه السلام در گهواره به لسان عربی فصیح با راوی سخن گفته و دستوری به او داده است.<sup>۴</sup> البته روایات شبیه به این مضمون - یعنی سخن گفتن در هنگام تولد و در مهد - را هر سه بزرگوار از مدرسه قم نقل کرده‌اند. احمد بن محمد بن خالد نقل کرده است که امام کاظم علیه السلام بعد از

۱. صدوق، محمد بن علی، همان، ۱/۱۰۴.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/۲۹۶، ح ۷؛ همان، ۱/۲۹۷، ح ۸.

۳. همان، ۱/۵۳۳، ح ۱۳.

۴. همان، ۱/۳۱۰، ح ۱۱.



ولادت آیه‌ای از قرآن را تلاوت کرده است؛<sup>۱</sup> شیخ صدوق نیز قریب به این مضمون را در مورد امام رضا علیه السلام روایت کرده است.<sup>۲</sup>

### قدرت بر بازگرداندن جوانی و تصرف در زمان و زمانیات

مرحوم کلینی دو روایت در این مورد ذکر کرده است که در روایت اول قصهٔ حبابه<sup>۳</sup> والبیه آمده است. حبابه<sup>۴</sup> والبیه زنی بود که در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام می‌زیست و از آن حضرت نشانهٔ امامت طلبید. ایشان بر سنگی مهر زدند و این را یکی از نشانه‌های امامت برشمردند. حبابه بعد از آن حضرت خدمت امام حسن و امام حسین علیه السلام رسید و آنها نیز بر روی آن سنگ مهر زدند. آن سنگ نزد آنها مانند موم نرم بود و اثر مهر آنها بر روی سنگ باقی می‌ماند. حبابه سپس خدمت امام سجاد علیه السلام رسید در حالی که آن حضرت مشغول نماز بود؛ هنگامی که از مهر زدن آن جناب مأیوس شده بود با یک اشارهٔ امام زین العابدین علیه السلام به حالت جوانی برگشت. حبابه<sup>۵</sup> والبیه تا زمان امام رضا علیه السلام زنده بود و تا زمان ایشان هر یک از ائمه بر سنگ او مهر زدند.<sup>۳</sup> مرحوم کلینی از ابوهاشم جعفری نقل می‌کند که سنگ مذکور در نزد فرزندان این زن بود و بعد از امام رضا علیه السلام به محضرائمه<sup>۶</sup> بعد هم آورده شد و هر یک از آنها بر آن مهر زدند. امام حسن عسکری علیه السلام نیز بر آن مهر زد در حالی که سنگ سخت برای امام نرم شد و اثر مهر او بر سنگ باقی ماند.<sup>۴</sup> در روایت دیگر کلینی آمده است که ام اسلم از رسول الله صلی الله علیه و آله نشانه‌ای برای شناخت اوصیای آن حضرت درخواست کرد؛ آن حضرت فرمود نشانه آن است که سنگ در دست او نرم شود و او بتواند آن را پودر کند و با آن خمیر درست کند که این کار را امیرالمؤمنین و امام حسن

۱. برقی، احمدین محمد، المحاسن، ۲/۳۱۴، ح ۳۲.

۲. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۱/۲۰، ح ۲.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/۳۴۶، ح ۳.

۴. همان، ۱/۳۴۷، ح ۴.

و امام حسین و امام علی بن حسین علیهما السلام انجام دادند.<sup>۱</sup> شیخ صدوق نیز قضیه حبابه و البیه و داستان بازگشت جوانی او به امر امام سجاد علیه السلام را نقل کرده است.<sup>۲</sup> همونقل می‌کند هنگامی که حضرت امام رضا علیه السلام وارد نیشابور شدند و در محله لاشاباد سکونت گزیدند در خانه‌ای که نزول اجلال فرمودند نهال بادامی کاشتند که آن نهال در مدت یکسال رشد کرد و تبدیل به درخت شد و میوه هم داد.<sup>۳</sup> روشن است که رشد نهال بادام و به ثمر نشستن آن طی مدت یکسال جزو خوارق عادات محسوب شده و نشان دهنده تصرف امام علیه السلام در زمان است. از احمد بن محمد بن خالد برقی در این زمینه روایتی به دست ما نرسیده است.

### سخن گفتن با شجر و حجر

مرحوم کلینی در این باب چهار روایت ذکر کرده است. او از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود درخت برای ما به سخن در می‌آید و اهل بیت علیهم السلام می‌توانند درخت را به سخن درآورند.<sup>۴</sup> امام جواد علیه السلام عصبایی را که در دست شخصی بود به نطق درآورد و آن عصابه به حجت و امام بودن آن حضرت شهادت داد.<sup>۵</sup> در روایت دیگری آمده است که عصای حضرت موسی برای امام زمان به سخن در می‌آید و هر گاه که امام بخواهد، ناطق شده و حرف می‌زند<sup>۶</sup> و در روایت دیگری می‌خوانیم که حجر الاسود به امر امام سجاد علیه السلام به سخن درآمد و به زبان عربی فصیح به امامت و ولایت او شهادت داد.<sup>۷</sup> شیخ صدوق در این باب تنها به نقل یک روایت اکتفا

۱. همان، ۳۵۵/۱، ح ۱۵.

۲. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ۵۳۶/۲، ح ۱ و ۵۳۷/۲، ح ۲.

۳. همو، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۱۳۳/۲.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱۹۳/۱، ح ۶.

۵. همان، ۳۵۳/۱، ح ۹.

۶. همان، ۲۳۱/۱، ح ۱.

۷. همان، ۳۴۸/۱، ح ۵.

کرده و یکی از روایاتی که کلینی آورده است را او نیز روایت کرده است؛ در این روایت آمده است که عصای حضرت موسی برای امام زمان به سخن در می آید و هرگاه که امام بخواهد، عصا ناطق شده و حرف می زند.<sup>۱</sup> احمد برقی در این زمینه روایت قابل توجهی ندارد.

### زنده کردن مردگان و شفای بیماران و از بین بردن سختی‌ها و مشکلات

بر اساس روایتی که کلینی در کافی گزارش کرده است امامان علیهم‌السلام می‌توانستند بیماری‌های سخت و لاعلاج را شفاء دهند و مرده‌ها را زنده کنند و این مقام، به خاطر این است که آنها حاملان و وارثان قرآنی هستند که علم به این افعال در آن وجود دارد.<sup>۲</sup> ابوبصیر که نابینا بود نقل می‌کند که حضرت باقر علیه‌السلام دست به چهره و دیده من کشید و من خورشید و آسمان و زمین و خانه‌ها و هر چه در شهر بود را دیدم.<sup>۳</sup> کلینی در گزارشی دیگر نقل می‌کند که امیرالمؤمنین علیه‌السلام شخصی را که مرده بود و او را دفن کرده بودند زنده کرده و با او صحبت کرد.<sup>۴</sup> در روایتی دیگر که در کافی گزارش شده آمده است که امام موسی بن جعفر علیه‌السلام گاو مرده‌ای را زنده کرد.<sup>۵</sup> شیخ صدوق هم در عیون اخبار الرضا علیه‌السلام نقل می‌کند که حضرت رضا علیه‌السلام بعد از ورودش به نیشابور و اقامت در خانه‌ای، درخت بادامی را در آن جا کاشتند که در طی یک سال رشد و نمو کرد، به طوری که در همان سال میوه داد و مردم از این درخت استشفای می‌کردند و شفا می‌یافتند.<sup>۶</sup> همان‌گونه که از متن روایت مشخص و روشن است چنان‌که رشد و به ثمر نشستن این درخت غیر

۱. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ۶۷۴/۲، ح ۲۸.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲۲۶/۱، ح ۷.

۳. همان، ۴۷۰/۱، ح ۳.

۴. همان، ۴۵۶/۱، ح ۷.

۵. همان، ۴۸۴/۱، ح ۶.

۶. صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ۱۳۳/۲.

عادی بود، میوه‌های آن نیز دارای اثر غیرمتعارف بوده است؛ زیرا طبیعت بادام انواع مرض‌ها و دردها را شفا نمی‌دهد بلکه این اثر به جهت این بود که امام رضا علیه السلام این نهال را کاشت و اثری فوق‌العاده در آن نهاد. در کتب موجود احمد بن محمد بن خالد، در این باب روایتی نیست.

### قدرت امامان بر تغییر ماهیات

تغییر ماهیت اشیاء نیازمند قدرتی فوق بشری است و از اقسام تصرفات تکوینی محسوب می‌شود. در روایتی که کلینی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند آمده است، هنگامی که والی مدینه خانه امام صادق علیه السلام را به دستور خلیفه عباسی آتش زد، ایشان در میان آتش راه می‌رفت بدون این که آتش گزند به او برساند؛<sup>۱</sup> حال این تغییر را در بدن امام حاصل شده است که آتش آسیبی به او نمی‌زند و یا این که در ماهیت آتش دخل و تصرفی شده است که در هر دو صورت، تصرفی تکوینی توسط امام صادق علیه السلام انجام شده است. کلینی در روایت دیگری نقل کرده که شخصی از اهل مدائن گوید که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را در عرفات دید که سنگ ریزه را تبدیل به طلا کرد و به شخص گدا داد.<sup>۲</sup> یکی از اصحاب امام رضا علیه السلام گوید: پول بسیاری نزد امام رضا آوردم، ولی حضرت از آن شادمان نگشت. من اندوهگین شدم؛ امام فرمود: «ای غلام! آفتابه لگن بیاور.» سپس روی تختی نشست و دستش را گرفت و به غلام فرمود: «آب بریز!» راوی گوید: از میان انگشتان ایشان به داخل طشت، طلا جاری بود، سپس متوجه من شد و فرمود: «کسی که چنین است به پولی که تو برایش آورده‌ای اعتنایی ندارد.»<sup>۳</sup> شیخ صدوق نیز در این موضوع دو روایت می‌آورد که یکی مربوط به امام موسی بن جعفر علیه السلام و دیگری مربوط به امام رضا علیه السلام

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۴۷۳/۱، ح ۲.

۲. همان، ۳۳۲/۱، ح ۱۵.

۳. همان، ۴۹۱/۱، ح ۱۰.

است؛ در روایت اول که از علی بن یقظین مروی است حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام و در روایت دوم امام رضا علیه السلام صورت شیری که بر بعضی از پرده‌ها نقش بسته بود را تبدیل به شیر واقعی و درنده کرد و آن شیر، شخصی را درید و هیچ اثری از آن شخص باقی نگذاشت و سپس به حالت اول خود برگشت.<sup>۱</sup> اسحاق بن جعفر گوید: شنیدم پدرم (امام صادق علیه السلام) می فرمود: «هنگامی که هریک از ائمه علیهم السلام متولد می شوند تا یک شب و روز از دو دستش سیل طلا روان است.»<sup>۲</sup> احمد بن محمد بن خالد برقی حدیثی در این باب روایت نکرده است.

### تسخیر گیاهان و درختان و ابرو باد و حوادث جوی

کلینی سه روایت در کافی نقل کرده که در هر سه مورد، گیاهان و درختان مسخرو تحت امر امامان علیهم السلام بوده‌اند. در روایت اول محمد بن فلان واقفی گوید که درختی به امر امام موسی بن جعفر علیه السلام از جای خود حرکت کرد و به امامت آن حضرت اقرار کرد.<sup>۳</sup> در روایت دیگری، کلینی نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: حسن بن علی علیه السلام درخت خرماى خشکی را به حال اولیه خود برگرداند و از آن، برگ و خرما برآورد.<sup>۴</sup> در روایت دیگری، کلینی از ابوهاشم جعفری نقل می کند که امام جواد علیه السلام زیر درخت سدري که خشک و بی برگ بود وضو گرفت؛ سپس آن درخت در همان سال زنده شد و برگ و میوه داد.<sup>۵</sup> مرحوم کلینی روایت دیگری نیز در کافی آورده است که در آن از امام صادق علیه السلام نقل شده است هر آن چه برای سلیمان نبی مسخر بود برای امام نیز مسخر است و از آن جا که ابرو باد و جمیع اشیاء مسخر سلیمان نبی

۱. صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۱/ ۹۶، ح ۱۷۱/۲.

۲. همان، ۱/ ۳۸۷، ح ۵.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۳۵۲، ح ۸.

۴. همان، ۱/ ۴۶۲، ح ۴.

۵. همان، ۱/ ۴۹۷، ح ۱۰.

بود، برای ائمه علیهم السلام نیز همه آنها مسخر هستند.<sup>۱</sup> شیخ صدوق نیز در روایتی در کمال الدین نقل می‌کند که جمیع خلائق، تحت امر و فرمان امام هستند. از عمومیت جمیع خلائق - که شامل درختان و گیاهان و ابرو باد و حوادث جوی می‌شود - می‌توان دریافت که شیخ صدوق نیز به این امر معتقد بوده است.<sup>۲</sup> وی روایتی دیگر در کمال الدین نقل می‌کند که تسخیر ابرو باد، نه تنها برای امام مقدور است بلکه برای بعضی از یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک نیز مقدور می‌باشد و بعضی از آنها بر روی ابرها سیرو حرکت دارند.<sup>۳</sup> احمد بن محمد برقی همین روایت را با الفاظ مشترک نقل کرده است و به مسخر بودن ابرو باد برای امام و یاران ایشان معتقد است.<sup>۴</sup> البته شیخ صدوق به تفصیل جریان نماز باران امام رضا علیه السلام را نیز نقل می‌کند که به دعای آن حضرت برای مردم باران نازل می‌شود.

## تسخیر انسان‌ها، اجنه، ملائکه و سایر موجودات

### تسخیر انسان‌ها

مرحوم کلینی داستانی از عمرو بن هبیره نقل می‌کند که در آن، عمرو به واسطه تأثیر سخن امام صادق علیه السلام بر یکی از دشمنانش، از مرگ نجات پیدا می‌کند.<sup>۵</sup> احمد بن محمد بن خالد برقی نیز در سند این روایت واقع شده است؛ بنابراین او نیز به این موضوع معتقد بوده و آن را باور داشته است.<sup>۶</sup> در روایت دیگری که کافی آن را نقل می‌کند آمده است که وقتی فضل، وزیر مأمون، در حمام کشته شد، سربازان

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۴۳۸/۱، ح ۳.

۲. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ۶۷۳/۲، ح ۲۶.

۳. همان، ۶۷۲/۲، ح ۲۴.

۴. همان، ۶۷۲/۲، ح ۲۴.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۴۷۳/۱، ح ۳.

۶. همان.

و افسران و هواخواهان او در خانهٔ مأمون انجمنی تشکیل دادند و گفتند: این مرد - یعنی مأمون - فضل را غافلگیر کرده و کشته است و ما باید از او خون خواهی کنیم. مأمون به امام رضا علیه السلام عرض کرد: آقای من! اگر صلاح می‌دانید به سوی این مردم بروید و متفرقشان کنید. حضرت مردم را دید که فشار می‌آورند، پس با دست خود اشاره کرد و فرمود: «پراکنده شوید، پراکنده شوید!» یاسر گوید: به خدا آن مردم چنان روی به بازگشت گذاشتند که بالای یک دیگر می‌افتادند و به هر کس اشاره فرمود، دوید و برفت.<sup>۱</sup> شیخ صدوق روایت درخور توجهی در این باب ندارد.

### تسخیر جن

مرحوم کلینی از سدیر صیرفی نقل می‌کند که امام باقر علیه السلام فرمود:

ای سدیر! ما خدمتگزارانی از طایفهٔ جن داریم که هرگاه شتاب داریم، آنها را می‌فرستیم.<sup>۲</sup>

در روایت دیگری آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود:

امیرالمؤمنین علیه السلام جانشین و خلیفه‌ای در میان جنیان دارد که فرامین آن حضرت را اجرا می‌کند.<sup>۳</sup>

اما شیخ صدوق و احمد برقی روایتی که صریحاً دال بر تسخیر جن باشد ندارند؛ البته شیخ صدوق در روایتی به این تصریح می‌کند که جمیع خلائق تحت امر و ارادهٔ امام زمان علیه السلام هستند.<sup>۴</sup> در این روایات به طور مطلق جنیان را فرمانبردار امام معرفی کرده‌اند و این اطلاق، اوامر شخصیه را نیز دربر می‌گیرد. در حالت عادی، جنیان تحت امر یک انسان قرار نمی‌گیرند و این که جنیان همهٔ اوامر امامان را

۱. همان، ۴۹۰/۱، ح ۸.

۲. همان، ۳۹۵/۱، ح ۴.

۳. همان، ۳۹۶/۱، ح ۶.

۴. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ۶۷۳/۲، ح ۲۶.

اطاعت می‌کنند نشان دهنده قدرت و ولایتی است که جنیان را مسخر فرمان امام می‌کند.

### تسخیر ملائکه

تسخیر ملائکه به معنای فرمانبرداری و اطاعت از اوامر امام است. در کافی آمده است که آنها بدون اذن امام به کاری که مأمور شده‌اند نمی‌روند<sup>۱</sup> و حتی ملک الموت نیز نزد آنها تسلیم است و نمی‌تواند مستقلاً و بدون اجازه امام، جان افرادی که مأمور به قبض روح آنها شده است را بستاند.<sup>۲</sup> طبق روایتی که در کافی آمده است ملائکه با ائمه علیهم‌السلام مصافحه می‌کنند<sup>۳</sup> و ائمه بال‌های ملائکه را از زمین برمی‌چینند.<sup>۴</sup> جناب احمد بن محمد برقی در این زمینه روایتی دارد که نشان می‌دهد هنگام نبرد امیرالمؤمنین علیه‌السلام با دشمنانش جبرائیل در طرف راست و اسرافیل در طرف چپ و ملک الموت نیز در پیش روی حضرت مشغول قتال بودند.<sup>۵</sup> شیخ صدوق نیز این روایت را نقل کرده و به مفاد آن معتقد بوده است.<sup>۶</sup>

### تسخیر حیوانات

کلینی در روایتی نقل می‌کند که احمد بن حارث قزوینی گوید: خلیفه عباسی استری داشت بسیار چموش؛ یکی از همدمان خلیفه گفت: یا امیرالمؤمنین! چرا دنبال حسن بن رضا نمی‌فرستی تا بیاید، یا این استر را سوار شود و یا او را بکشد تا راحت شوی. خلیفه، امام عسکری علیه‌السلام را احضار کرد، راوی گوید هنگامی آن

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/۳۹۴، ح ۴.

۲. همان، ۱/۲۵۹ ح ۴ و ۱/۲۶۰، ح ۸.

۳. همان، ۱/۳۹۳، ح ۱.

۴. همان، ۱/۳۹۳، ح ۲-۳.

۵. صدوق، محمد بن علی، الامالی، ص ۵۱۲، ح ۹.

۶. همان، ۵۱۲، ح ۹.



حضرت نزدیک اسب شد بدون هیچ مقاومتی زین شد و به امام سواری داد.<sup>۱</sup> در روایتی دیگر که باز هم کلینی آن را نقل کرده است آمده که حضرت ابو محمد علیه السلام را به نحیر (که گویا مستخدم باغ وحش بوده) سپردند (تا نزد او زندانی باشد). او حضرت را میان درندگان انداخت. امام علیه السلام را دیدند که به نماز ایستاده و درندگان گرد او هستند.<sup>۲</sup>

### کشف حجب و رؤیت ملکوت

احمد بن محمد بن خالد برقی در روایت در این باره نقل کرده است. در یک روایت نقل می‌کند که امیرالمؤمنین علیه السلام در لحظات آخر عمر شریفشان به دخترشان خبر می‌دهند که ملائکه و جمیع انبیاء و مرسلین علیهم السلام را مشاهده می‌کنند که برای ملاقات کردن او صف بسته‌اند و منتظرند.<sup>۳</sup>

مرحوم کلینی نیز در روایت در این باب آورده است. صالح بن سعید گوید هنگامی که خدمت امام هادی علیه السلام رسیدم و او را در سرای گدایان جای داده بودند، حضرت به من فرمود: «پسر سعید، تو هم چنین فکر می‌کنی؟!» سپس با دستش اشاره کرد و او را در بوستان بسیار سرسبز و با خادمان بسیار دیدم.<sup>۴</sup> کلینی در روایت دیگری آورده است که هنگامی که ابوبکر غاصبانه بر مسند خلافت نشست، امیرالمؤمنین علیه السلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به او نشان داد و در حالی که حجاب از چشمان ابوبکر کنار رفت به او فرمود که به علی بن ابی طالب ایمان بیاور و حق او را غصب نکن.<sup>۵</sup> مرحوم صدوق نیز در این باره در روایت آورده است که اولی‌خبر امام صادق علیه السلام از حقیقت

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۵۰۷/۱، ح ۴.

۲. همان، ۵۱۳/۱، ح ۲۶.

۳. صدوق، محمد بن علی، الامالی، ۳۱۸، ح ۴.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/۴۹۸، ح ۲.

۵. همان، ۵۳۳/۱، ح ۱۳.

رعد و برق است که دلالت بر رؤیت ملکوت و کشف حجب برای امامان دارد<sup>۱</sup> و روایت دیگر نیز لحظات آخر عمر امیرالمؤمنین علیه السلام را گزارش می‌دهد که آن حضرت ملائکه و انبیاء را مشاهده می‌کردند و برای دیگران حکایت کردند.<sup>۲</sup>

### قدرت بر خارج کردن گنج‌های زمین

کلینی با آوردن دور روایت در این باب، به این نوع از تصرفات تکوینی امامان اشاره می‌کند. کلینی نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام با پای مبارکشان شمش‌هایی از طلا را از زمین خارج کردند.<sup>۳</sup> در روایت دیگری ابراهیم بن موسی از امام رضا علیه السلام درخواست مالی داشت و پافشاری او سبب شد که آن حضرت شمش‌های از طلا را از زمین خارج کرده و به او داد.<sup>۴</sup> مرحوم احمد بن ابی عبدالله البرقی و شیخ صدوق روایتی با این مضامین نقل نکرده‌اند.

### دید بیضای امام

شیخ کلینی نقل می‌کند که پسر منصور گوید: شبی خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم و او در پستوی خانه بود، پس دستش را بلند کرد، مثل این‌که در خانه ده چراغ باشد (روشن و منور گشت). آن‌گاه مرد دیگری اجازه تشریف گرفت، حضرت دستش را انداخت و به او اجازه داد.<sup>۵</sup>

### قدرت بر کندن کوه آهن

شیخ صدوق بنا بر روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند، معتقد است که

۱. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ۵۲۶/۱، ح ۱۴۹۷ و ۱۴۹۸.

۲. همو، الامالی، ص ۳۱۸، ح ۴.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۴۷۴/۱، ح ۴.

۴. همان، ۴۸۸/۱، ح ۶.

۵. همان، ۴۸۷/۱، ح ۳.

مردی از اصحاب امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجِيهَ التَّرْتِيبِ توانایی چهل مرد را دارد و قلب او از پاره آهن استوارتر است و اگر آنها بر کوه‌های آهن بگذرند آن را برکنند.<sup>۱</sup> چنین قدرتی هر چند برای اصحاب امام زمان نقل شده است ولی عقلاً و نقلاً امکان ندارد مأموم دارای قدرتی برتر از امام باشد؛ به عبارت دیگر این قدرت به طریق اولی برای امام زمان ثابت است؛ زیرا امام آنهاست. کلینی و احمد برقی این مضمون را روایت نکرده‌اند.

### تکمیل عقول مردم به دست امام

مرحوم صدوق نقل کرده است که ابن ابی یغفور از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت می‌کند که فرمود:

چون قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان نهد و از برکت آن دست، عقل و خرد آنها کمال یابد.<sup>۲</sup>

کلینی و احمد برقی این مضمون را روایت نکرده‌اند.

### رد الشمس و تصرف در حرکت آفتاب

مرحوم صدوق می‌فرماید:

تصرف در حرکت آفتاب و به عبارت دیگر بازگشت خورشید به مکان قبلی خود که در روایت از آن به رد الشمس تعبیر شده است، دو بار اتفاق افتاده است؛ اول بار در زمان حیات رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و دیگری بعد از وفات ایشان و هنگامی که امیرالمؤمنین از جنگ نهروان بازمی‌گشتند، اتفاق افتاد.<sup>۳</sup>

مرحوم کلینی و احمد بن محمد بن خالد برقی این قضیه را روایت نکرده‌اند.

۱. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ۲/۶۷۳، ح ۲۷.

۲. همان، ۲/۶۷۵، ح ۳۱.

۳. همو، من لا یحضره الفقیه، ۱/۲۰۳، ح ۶۱۰ و ۶۱۱.

## نتیجه‌گیری

در موضوعات مطروحه، گرچه احمد بن محمد بن خالد برقی به نسبت شیخ کلینی و شیخ صدوق روایات کمتری، نقل کرده است، اما هر سه شخصیت بزرگوار مدرسه قم تصرفات تکوینی امامان را قبول داشتند و آنها را در کتب خویش گزارش کرده‌اند و این مطلب نشان از اعتقاد آنها به این باور اصیل شیعی دارد. از طرفی، از مقایسه بین شیخ کلینی و شیخ صدوق و میزان روایتگری این دو می‌فهمیم که آن دو در بیش از شصت درصد از موارد مطرح شده، اشتراک نظر داشتند و این موارد مشترک از اهم مصادیق تصرفات تکوینی برای امامان به شمار می‌رود و موارد اختلاف نیز موضوع مهم و قابل توجهی نیست. علاوه بر این که در دو مورد هم فقط صدوق روایت تصرفات تکوینی را نقل کرده است؛ بنابراین به نظر نمی‌رسد اختلاف کلینی و صدوق را بتوان به مبانی تفکرو غالیانه بودن یا نبودن آموزه‌های اختلافی نسبت داد؛ بلکه بیشتر اختلاف‌ها به مبانی و روش‌های روایتگری این دو بزرگوار مربوط می‌شود که اعتماد به برخی رجال توسط کلینی سبب اندکی گسترش روایتگری در این زمینه شده است. از طرفی چون مدرسه قم به سختگیری در نقل احادیث و مبارزه با غالیان و آموزه‌های غالیانه و یا شبه‌غلو مشهور بوده است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این آموزه‌ها از نظر مشایخ قم، به هیچ روی غالیانه نبوده است. نتیجه این تحقیق می‌تواند مقدمه‌ای برای تحقیقات دیگر در زمینه بازشناسی مرز غلو از دیدگاه مشایخ مدرسه قم باشد.

کتاب

قرآن کریم.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق جلال الدین محدث، چاپ دوم: دار الکتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱ قمری.

صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ قمری.

-----، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ اول: جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ شمسی.

-----، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم: اسلامیة، تهران، ۱۳۹۵ قمری.

-----، معانی الأخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ اول: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۳ قمری.

-----، الأمالی، چاپ ششم: کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ شمسی.

-----، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق مهدی لاجوردی، چاپ اول: نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ قمری.

صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، تحقیق محسن بن عباسعلی کوجه باغی، چاپ دوم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ قمری.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم: دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ قمری.

نشریات

حسینی، سید علیرضا و حمادی، عبدالرضا، «جایگاه نقد محتوایی در اعتبارسنجی احادیث شیعه»، نشریه پژوهش های قرآن و حدیث، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳.

ربانی گلپایگانی، علی، «نقش غایبی امام در نظام آفرینش»، مجله انتظار موعود، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۸۸.

طالقانی، سید حسن، «مدرسه کلامی قم»، مجله نقد و نظر، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱.

## الولاية التكوينية (أو التصرفات التكوينية) عند الأئمة من منظار علماء مدرسة قم الكلامية مع الاستناد إلى آراء البرقي، والكليني، والصدوق<sup>١</sup>

محمد مهدي المطهري<sup>٢</sup>

### الملخص:

كانت مسألة الولاية التكوينية عند الأئمة عليهم السلام من المسائل المبحوث عنها عند مفكري وعلماء الإمامية. وإنّ دراسة هذه المسألة - مضافاً إلى دورها في معرفة مقام الإمام - لها أهميّة قصوى في ترسيم ومعرفة المنهج الفكري الصحيح عند الإمامية .

إنّ مدرسة قم الكلامية مع تعدّد المناهج والرؤى الكلامية مع كونها اشتهرت بمحاربتها الغلو بحثت هذه المسألة من مباحث الإمامة بشكلٍ موسّع.

هذه المقالة تسعى لقراءة آراء ثلاثة من أهم الشخصيات البارزة في مدرسة قم، وهم: أحمد البرقي، والشيخ الكليني، والشيخ الصدوق في موضوع الولاية التكوينية بالخصوص، ومع تسليط الضوء على المنظومى الفكرية لمشايخ مدرسة قم تستنتج أنّه ليس فقط أصل مسألة التصرفات التكوينية عند الأئمة عليهم السلام يعترف بها مشايخ مدرسة قم، بل عمدوا إلى رواية موضوعاتها في نطاق واسع وفي مجالات مختلفة من هذه المسألة .

**الكلمات الأساسية:** الولاية التكوينية، التصرفات التكوينية، مدرسة قم الكلامية، محمد بن يعقوب الكليني، أحمد بن محمد بن خالد البرقي، أبو جعفر محمد ابن بابويه الصدوق.

١. تاريخ استلام المقال: ٩٦/٠٦/٠٣؛ تاريخ القبول: ٩٦/٠٨/٢٨.

٢. طالب في الحوزة العلمية بقم المقدسة، باحث في مركز الثقافة الجعفرية:

whole universe. It then seeks to explore the thought line of scholars in Qom as regards to Imams authorities and influences in the whole universe. It is concluded that the principle of authority to influence the whole universe was not only approved by the scholars in Qom religious school, but scholars have also sought to re-narrate these accounts comprehensively under numerous titles.

**Keywords:** authority to influence the whole universe, influence the whole universe, rhetoric school of Qom, Mohammad-bin-Yaghoob Koleini, Ahmad Bin-Mohammad Ibn-Khaled Barghi, Sheikh Abu-Jafar Mohammad Ibn-Baboye Sadoogh

# **Imams' authority to influence the whole universe (the influence the whole universe) from the perspective of rhetoric scholars in Qom, with a special focus on the ideas from scholars such as Barghi, Koleini and Sadooq<sup>1</sup>**

Mohammad Mehdi Motahari<sup>2</sup>

۲۲۶

## **Abstract**

The issue of Infallible Imams' authority to exert influence in the whole universe is a controversial one among scholars and experts on Imamieh issues. An investigation into such an issue is not only important in fathoming the elevated status of Imams, but it also assumes considerable importance in outlining and discerning the appropriate thought line of Imams. The religious schools in Qom have always enjoyed diversity of methods and thought lines, at the same time the schools have always sought to counter exaggeration. The imamate-related issues have been comprehensively discussed in religious schools of Qom. The current study seeks to investigate the ideology of three prominent scholars namely Ahmad Barghi, Sheikh Kolaini and Sheikh Sadooq in the domain of Imams' Authority to influence the

---

1. Accepted August 25, 2017. Approved: November 19, 2017

2. A Howze Graduate, Researcher in Jafari Foundation, Mohamadmahdi7.motahari@yahoo.com